

جایگاه نماز در اسلام

از دیدگاه کتاب و سنت

تألیف:

دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی

ترجمه:

عبد القادر ترشابی

جایگاه نماز در اسلام

از دیدگاه کتاب و سنت

تألیف:

دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی

ترجمه:

عبد القادر ترشابی

فهرست

عنوان

صفحه

مقدمه مترجم

مفهوم نماز

حکم نماز

منزلت نماز در اسلام

آخرین وصیت رسول اکرم ﷺ به امتش، نماز بود

ویژگیهای نماز در اسلام

حکم تارک نماز

فضیلت نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ
شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ
وَمَنْ يَضِلَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

خواننده عزیز! همه ما بزودی از دنیا خواهیم رفت و در
پیشگاه خداوند متعال، حاضر خواهیم شد. در آنجا نیز بخاطر
همه اعمال کوچک و بزرگی که انجام داده‌ایم، محاسبه
خواهیم شد. بعد از آن نمی‌دانیم که چه سرنوشتی در انتظار
ماست آیا با انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین حشر شده و به
بهشت می‌رویم که نعمت‌های جاودانی آن را هیچ چشمی
ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ کسی هم خطور

نکرده است یا خدای نکرده به دوزخ می رویم که سراسر عذاب و شکنجه و آه و ناله و پشیمانی و گریه است.

پس بیاییم و قبل از اینکه فرصت از دست برود، از خواب غفلت بیدار شویم و فریب این دنیای فانی را نخوریم و زندگی خود را در راه اطاعت از خدا و رسولش سپری نماییم چرا که سعادت دنیا و آخرت، در این راه، نهفته است.

خواننده گرامی! باید بدانیم که نماز، ستون دین است و بوسیله نماز است که مسلمان از کافر و منافق از مؤمن، شناخته می شود.

همچنین نماز، اولین چیزی است که روز قیامت، بنده بخاطر آن محاسبه می شود و اگر نمازش، پذیرفته شود رستگار می گردد و اگر نمازش، پذیرفته نشود، ناکام می گردد و زیان می بیند.

لذا همیشه باید به یاد آن لحظاتی باشیم که در پیشگاه پروردگاران، حاضر می‌شویم. لحظاتی که افراد آگاه، سختی آنرا درک می‌کنند و پرهیزگاران، شدت و حشت آنرا می‌شناسند. پس بکوشیم تا خود را برای آن لحظات جان‌گداز، آماده سازیم.

و از آنجا که نماز، مهمترین عملی است که در آن لحظات حساس و سرنوشت ساز، به فریاد انسان می‌رسد و متأسفانه در این زمینه، کتابی مختصر و مفید که مورد استفاده عموم مردم قرار گیرد، وجود نداشت یا حداقل بنده سراغ نداشتم، اقدام به ترجمه این رساله مختصر، تألیف دکتر علی بن سعید بن وهف قحطانی نمودم تا مورد استفاده عموم مسلمانان فارسی زبان قرار گیرد.

مؤلف محترم در این رساله، مفهوم، حکم، منزلت، ویژگیها، فضایل نماز و حکم تارک آن را در پرتو کتاب و سنت، با زبانی بسیار ساده، بیان نموده است.

در اینجا فقط ذکر یک نکته را لازم و ضروری می‌دانم و آن اینکه مؤلف محترم معتقد است که تارک نماز، کافر می‌شود. باید دانست که این، فقط رأی یک گروه از علمای سلف است که از آن جمله می‌توان از علی بن ابی طالب علیه السلام، عبد الله بن مبارک و اسحاق بن راهویه و طبق یک روایت، احمد بن حنبل نام برد. همچنین عبد الله بن شقیق می‌گوید: اصحاب محمد صلی الله علیه و آله بجز ترک نماز، ترک هیچ عمل دیگری را کفر نمی‌دانستند. (روایت ترمذی).

اما گروهی دیگر از سلف، مانند امام ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی، و جمع زیادی از متأخرین، تارک نماز را کافر نمی‌دانند.

بهر حال، اگر کسی می‌خواهد در این زمینه تحقیق کند می‌تواند به سایر کتاب‌های بزرگ، مراجعه نماید.

در پایان، از استاد بزرگوارم حاج محمدعلی ناتوزائی که
زحمت ویرایش این رساله را متحمل شد، کمال تشکر را
دارم. و از خداوند منان مسألت می‌نمایم که این عمل ناچیز
را از بنده بپذیرد و روز قیامت، آن را در ترازوی اعمال نیک‌ام
قرار دهد.

التماس دعای خیر

عبد القادر ترشابی

۱۸ رجب ۱۴۲۵ هـ.ق

مقدمه مؤلف

سپاس از آن خداست. او را سپاس می‌گوییم، از او کمک می‌خواهیم و طلب مغفرت می‌نماییم. و از بدیهای نفس و اعمال زشتان به خدا، پناه می‌بریم. کسی را که خدا هدایت نماید، هیچ کس نمی‌تواند گمراه نماید و کسی را که خدا گمراه کند، هیچ کس نمی‌تواند او را هدایت نماید. و گواهی می‌دهم که هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد. او، یگانه است و هیچگونه شریکی ندارد. و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ، بنده و فرستاده خداست. درود و سلام فراوان خداوند بر او و اهل بیتش، صحابه و پیروانش تا روز قیامت، باد. اما بعد:

این رساله مختصر در باره منزلت نماز در اسلام است که در آن بطور خلاصه، مفهوم نماز، حکم، منزلت، ویژگیها، فضیلت و حکم تارک آن را توأم با دلیل از کتاب و سنت، بیان نموده‌ام. قابل یادآوری است که در این رساله، از سخنان

شیخ عبدالعزیز بن عبداللہ بہ کثرت استفادہ نمودہ ام. از خداوند
مسئلت می‌نمایم کہ در بہشت برین بہ ایشان، رفع درجات
عنایت فرماید. و همچنین از اللہ ﷻ می‌خواہیم کہ این عمل را
مبارک و خالص بگرداند و آنرا در زندگی و بعد از مرگ
برای من و ہمہ کسانی کہ این رسالہ بدست آنها می‌رسد،
مفید گرداند. زیرا او بہترین ذاتی است کہ از او درخواست
می‌شود و گرامی‌ترین ذاتی است کہ انسان بہ او امیدوار
می‌گردد. او ما را کفایت می‌کند و او، بہترین کارساز است.
و باید دانست کہ انسان از خودش، ہیچگونہ توان و قدرتی
ندارد مگر اینکہ عنایت خداوند، شامل حالش گردد. و صلی
اللہ و سلم علی نبینا محمد و علی آلہ و اصحابہ و من تبعہم
باحسان الی یوم الدین.

مؤلف

جمعه ۱۴۲۰/۸/۱۸ هـ. ق

مفهوم نماز

نماز در لغت بمعنی دعا است. خداوند می فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [توبه: ۱۰۳]

(ای پیامبر از اموال آنان، زکات بگیر که باعث پاکی و تزکیه آنها می شود و برای آنان، دعا کن چرا که دعایت، آرامش برای آنان بحساب می آید و خداوند، شنوا و داناست). چنانچه مشاهده می کنیم کلمه «صل» بمعنی «دعا کن» است.

نبی اکرم ﷺ می فرماید: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيُجِبْ فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيُصَلِّ وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيُطْعَمْ».^(۱)

(۱) مسلم (۱۴۳۱). (۲) معلقات بخاری قبل از حدیث شماره (۴۷۹۷).

«اگر کسی از شما (برای صرف غذا) دعوت شد، اجابت نماید. اگر روزه داشت، (برای صاحب غذا) دعای (خیر و برکت و استغفار) نماید. و اگر روزه نداشت، غذا بخورد». باید دانست که صلاة یعنی درودی که از طرف خداوند باشد، بمعنی ثناء و ستایش است و درودی که از طرف فرشتگان باشد، بمعنی دعا است. خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [احزاب: ۵۶]

(همانا خداوند و فرشتگان بر پیامبر، درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (شما هم) بر او، درود و سلام بفرستید).

ابوالعالیه می گوید: صلاة (درود) خداوند بمعنی تعریف و تمجید او، نزد فرشتگان است و درود فرشتگان بمعنی دعا

است. و ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: یصلون یعنی تبریک می گویند.^(۲)

و برخی گفته اند: درود خدا یعنی همان رحمت الهی است و درود فرشتگان بمعنی استغفار کردن آنان است. و صحیح و درست، همان قول اول است.^(۱)

خداوند می فرماید: ﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ (۱۵۷). [بقره: ۱۵۷]

(آنان) همان بردباران با ایمانی هستند که الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدایشان شامل حال آنان می گردد و مسلماً ایشان راه یافتگان (به جاده حق و حقیقت و طریق خیر و سعادت) هستند).

(۲) ثریق ابن عثیمین (۲۲۸/۳).

(۱) نگا تفسیر ابن کثیر و شرح ممتع ابن عثیمین (۲۲۸/۳ - ۲۲۹).

چنانچه مشاهده می کنیم رحمت، بر صلوات، عطف شده است و اقتضای عطف، مغایرت می باشد.^(۲)

پس صلاتی که از طرف خداوند باشد بمعنی ستایش است و صلاتی که از طرف مخلوقات یعنی فرشتگان، جن و انس باشد، بمعنی نماز، رکوع، سجده، دعا و

تسیح گفتن است. و صلاتی (درودی) که از طرف پرندگان و خزندگان باشد، بمعنی تسیح گفتن است.^(۳)

و «صلاة» در اصطلاح شریعت، عبارت از: عبادتی است که بخاطر خداوند، انجام می گیرد و شامل اقوال و افعال معین و ویژه ای می باشد که با تکبیر، آغاز و با سلام، به پایان می رسد

(۳) لسان العرب (۶۵/۱۴). (۴) المغنی (۵/۳) ابن قدامه

والشرح الكبير (۵/۳) و الانصاف فی معرفه الراجح من اغلاف (۵/۳) و

التعريفات جرجانی (۱۷۴). (۵) شرح العمده ابن تیمیه (۳۰/۲ - ۳۱).

و این، اقوال و افعال مخصوص، «صلاة» نامیده شده اند زیرا دعا را نیز در برمی گیرند.^(۴)

در نتیجه کلمه «صلاة» که در آغاز به هر دعایی، اطلاق می‌شد، از آن مفهوم، انتقال پیدا کرد و هم اکنون بخاطر مناسبتی که میان دعا و نماز وجود دارد، همان افعال و اقوال مخصوص، کلمه صلاة یعنی نماز، اطلاق می‌شود. پس هرگاه، کلمه «صلاة» یعنی نماز در شریعت اطلاق شود، مفهوم آن، فقط نماز با همان افعال و اقوال مخصوص است.^(۵)

و سرتاسر نماز، دعا یعنی طلب و درخواست است: زیرا طلب و درخواست یا با سؤال کردن، مطرح می‌شود چنانچه دعا کننده، خواهان جلب منفعتی و یا دفع ضرری می‌شود و

طلب اینگونه نیازها از خداوند، فقط با زبان و سؤال کردن، انجام می‌گیرد.

یا اینکه طلب و درخواست با عبادت انجام می‌گیرد. چنانکه انسان با اعمال نیک از قبیل نماز، رکوع، سجده و غیره، طلب اجر و ثواب می‌نماید. پس کسی که این، عبادات را انجام می‌دهد، در واقع با زبان حال از خداوند، طلب مغفرت می‌نماید. و از سخنان فوق، روشن می‌شود که سر تا سر نماز، دعا و درخواست با زبان و یا طلب و درخواست بوسیله عبادت است چرا که نماز هر دو نوع را در بر می‌گیرد.^(۱)

(۱) نگا شروط الدعاء و موانع الاجابه (۱۰ - ۱۱) توشته مؤلف.

حکم نماز

قرآن، سنت و اجماع امت، نماز را بر هر مسلمان عاقل و بالغ، فرض گردانیده است. فقط بر زنی که در دوران حیض یا نفاس بسر می برد، فرض نیست.

خداوند می فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵)﴾
[بینه: ۵]

(و به آنان دستور داده نشده است مگر اینکه خداوند را مخلصانه و حق گرایانه پرستش نمایند و فقط بر دین او باشند و نماز را بر پای دارند و زکات بدهند. و این است آیین راست و درست.) و در جایی دیگر می فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ [نساء: ۱۰۳]

(همانا نماز بر مؤمنان فرض است و اوقات معینی دارد).

هنگامی که نبی اکرم ﷺ معاذ ﷺ را به یمن فرستاد، فرمود:
«و به آنها اعلام کن که خداوند در شبانه روز، پنج نماز بر آنها
فرض گردانیده است.»^(۲)

ابن عمر ﷺ می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ
عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ آيَتَاءِ
الزَّكَاةِ وَ صَوْمِ رَمَضَانَ وَ الْحَجِّ لِمَنْ اسْتَطَاعَتْ».^(۱)

«اسلام بر پنج چیز بنیان گذاری شده است: ۱- گواهی
دادن بر اینکه هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد ۲- برگزاری
نماز ۳- پرداخت زکات ۴- روزه گرفتن رمضان ۵- حج بیت الله
برای کسی که استطاعت آنرا دارد».

(۲) بخاری (۱۳۹۵) و مسلم (۵۰) .

(۲) سنن ابوداود (۱۴۲۰) و

(۱) بخاری (۸) و مسلم (۱۶) .

صحیح سنن ابوداود (۱/۱، ۸۶/۲۶۶) .

عباده بن صامت رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يُضَيِّعْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ».^(۲)

«خداوند، پنج نماز بر بندگانش، فرض نموده است. هر کس، آنها را بدون استخفاف، ادا نماید و ضایع نگرداند، خداوند، عهد نموده است که او را وارد بهشت نماید.»

آیات و احادیث درباره فرضیت نماز بسیار زیادند که ما به ذکر همین اندازه اکتفا می کنیم.

همچنین امت اسلام بر فرض بودن پنج نماز در شبانه روز، اجماع نموده اند.^(۳)

(۴) بخاری (۱/۱۱۴) و مسلم.

(۳) المغنی ابن قدامه (۶/۳).

اما نمازهای پنج گانه بر زنانی که در دوران عادت ماهیانه و یا نفاس بسر می برند، فرض نیست زیرا رسول اکرم ﷺ فرمود: «أَلَيْسَتْ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تَصُمْ».^(۴) یعنی مگر نه این است که زن، در دوران عادت ماهانه، نماز نمی خواند و روزه نمی گیرد؟

منزلت نماز در اسلام

نماز در اسلام از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. و دلایل آن عبارتند از:

۱- نماز، ستون دین است. و باید دانست که دین بدون این ستون، برپا نمی شود. معاذﷺ می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ وَذَرْوَةٌ سَنَامِهِ الْجِهَادُ».^(۱)

یعنی «رأس امور اسلام و ستون آن، نماز است. و قله آن، جهاد می باشد». و باید دانست که اگر ستون بیفتد، ساختمان، نابود خواهد شد.

۲- اولین عملی که بنده بخاطر آن محاسبه می شود، نماز است. و خوبی و بدی اعمال انسان، به نمازش، بستگی دارد.

انس بن مالک رضی الله عنه روایت می کند که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الصَّلَاةَ، فَإِنْ صَلَحَتْ، صَلَحَ سَائِرِ عَمَلِهِ وَ إِنْ فَسَدَتْ، فَسَدَتْ سَائِرِ عَمَلِهِ» وَ فِي

(۱) ترمذی (۲۶۱۶) و ابن ماجه (۱۳۱۴/۲) و احمد (۲۳۱/۵). و ترمذی درباره آن، گفته است: این حدیث، حسن و صحیح است و آلبانی نیز آنرا در ارواء القلیل (۱۳۸/۲) تحسین نموده است.

(۲) روایت طبرانی در المعجم الأوسط (۴۰۹/۱) مجمع البحرین (۵۳۲ و ۵۳۳). و علامه آلبانی در سلسله احادیث صحیحه (۳۴۶/۳) می گوید: و بطور کلی این حدیث با مجموع طرقش، صحیح است.

روایة: «أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُنْظَرُ فِي صَلَاتِهِ فَإِنْ صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ.»^(۲)

«اولین چیزی که در روز قیامت، بنده بخاطر آن، محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نمازش، درست باشد، سایر اعمالش، نیز درست خواهد بود. و اگر نمازش، فاسد باشد، سایر اعمالش، فاسد خواهد بود.»

و در روایتی، آنحضرت ﷺ فرمود: «اولین چیزی که در روز قیامت، از بنده می‌پرسند و آنرا بررسی می‌کنند، نماز است. اگر نمازش، درست باشد، رستگار می‌شود. و اگر نمازش، فاسد باشد، ناکام می‌شود و زیان می‌یابد.»

تمیم داری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَلَاتُهُ فَإِنْ أَكْمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ نَافِلَةٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَكْمَلَهَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهِ لِمَلَأْتَهُ»

انظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ لِعِبَادِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَأَكْمِلُوا بِهَا مَا ضَيَّعَ مِنْ فَرِيضَتِهِ ثُمَّ تَتَّخِذُوا الْأَعْمَالَ عَلَى حَسَبِ ذَلِكَ»^(۱)

«اولین چیزی که در روز قیامت، بنده بخاطر آن، محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نمازش را کامل ادا نموده است، بطور کامل، برایش بحساب می‌آید. و اگر نمازش را بطور کامل ادا نکرده است، خداوند به فرشتگانش می‌گوید: ببینید آیا بنده‌ام، نماز نفلی دارد که فرایضش را بوسیله آن، کامل کنید؟ بعد از آن، محاسبهٔ زکات و سایر اعمال به همین ترتیب، انجام می‌گیرد».

۳- آخرین چیزی که از دین، ضایع می‌شود، نماز است. پس اگر نماز که آخرین امر دین است، ضایع گردد، چیزی از آن، باقی نمی‌ماند.

(۱) ابوداود (۸۶۴، ۸۶۶) و ابن ماجه (۱۴۲۵) و احمد (۶۵/۴، ۹۰۳، ۳۷۷/۵) و صحیح الجامع آلبنی (۳۵۳/۲).

ابو امامه رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَيَنْقُضَنَّ عُرَى
الْإِسْلَامِ عُرْوَةً عُرْوَةً فَكُلَّمَا انْتَقَضَتْ عُرْوَةٌ تَشَبَّثَ النَّاسُ بِأَلْتِي
تَلِيهَا وَأَوْلَهُنَّ نَقْضًا الْحُكْمُ وَآخِرُهُنَّ الصَّلَاةُ».^(۲)

«ریسمانهای اسلام، یکی پس از دیگری، کنده می شوند.
هر گاه، یکی کنده شود، مردم به ریسمانهای بعدی، چنگ
می زنند. اولین ریسمانی که کنده می شود، حکومت
(حاکمیت اسلام) است و آخرین آنها، نماز می باشد».

و در روایتی دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اولین چیزی که
از میان مردم برداشته می شود، امانت است و آخرین چیزی

(۲) احمد (۲۵۱/۵) و آلبانی آنرا در صحیح الترغیب و الترهیب (۱/۲۲۹)،

که باقی می ماند، نماز است و چه بسا نمازگزاری یافت می شود که هیچگونه خیری نداشته باشد».^(۳)

آخرین وصیت رسول اکرم ﷺ به امتش، نماز بود
 نماز، آخرین وصیتی است که نبی اکرم ﷺ امتش را به آن، وصیت کرد. ام سلمه رضی الله عنها می گوید: یکی از آخرین وصیت های رسول الله ﷺ این بود که «الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ حَتَّى جَعَلَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُلْجِجُهَا فِي صَدْرِهِ وَمَا يَقِصُّ بِهَا لِسَانَهُ».^(۱)

(۳) طبرانی در المعجم الصغير [مجمع البحرين] ۲۶۳/۷ شماره ۴۴۲۵ و این حدیث، شاهدهی دارد که آنرا حکیم ترمذی روایت نموده است و آلبانی آنرا در صحیح الجامع (۳۵۳/۲) آورده و آنرا حسن دانسته است.

(۳) احمد (۲۹۰/۶، ۳۱۱، ۳۲۱) و آلبانی در إرواء القلیل (۲۳۸/۷) آنرا صحیح دانسته است.

۵- خداوند، اقامه کنندگان نماز و کسی را که خانواده اش را بدان امر می کند ستوده است آنجایی که می فرماید: ﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ (۵۴) وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾ [مریم: ۵۴ و ۵۵]

(و در قران از اسماعیل یاد کن. او در وعده هایش راست، و پیامبر والا مقامی بود. و خانواده اش را همواره به خواندن نماز و دادن زکات، دستور می داد و نزد پروردگارش، مورد رضایت بود).

۶- خداوند، کسانی را که تنبلی می کنند و نماز را ضایع می نمایند، مذمت نموده است. چنانچه می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [نساء: ۱۴۲]

همانا منافقان، خدا را فریب می دهند در حالی که خداوند، آنان را فریب می دهد. و هنگامی که برای نماز بر می خیزند با سستی و تنبلی، و برای نشان دادن مردم، نماز می خوانند. و خدا را فقط اندکی یاد می کنند).

۷- بزرگترین رکن و ستون اسلام بعد از شهادتین، نماز است.

عبد الله بن عمر (رضی الله عنهما) می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصِيَامِ رَمَضَانَ وَحَجِّ الْبَيْتِ»^(۱).

«اساس اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است. ۱- گواهی دادن بر اینکه هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد و محمد ﷺ

(۱) بخاری (۸) و مسلم (۱۶).

فرستاده خداست. ۲- برپا داشتن نماز. ۳- پرداخت زکات. ۴-
روزه ماه مبارک رمضان. ۵- حج بیت الله الحرام».

۸ - یکی از اموری که بر عظمت نماز دلالت می‌کند،
اینست که خداوند، آنرا بواسطه جبرئیل و در زمین، فرض
نگرداند بلکه بدون واسطه در شب معراج و بالای هفت
آسمان، آنرا فرض نمود.

۹- در ابتدا، پنجاه نماز، فرض شد. و این، خود، دلیلی است
بر اینکه خداوند، نماز را بسیار

دوست دارد. آنگاه، خداوند آنقدر تخفیف داد تا اینکه در
نهایت، پنج نماز در شبانه روز بر بندگانش، فرض نمود. و این
نمازها اگرچه عملاً پنج تا هستند ولی در ترازوی اعمال انسان،
پنجاه نماز بحساب می‌آیند. و این، جایگاه بلند نماز را
می‌رساند.

۱۰- و از آنجا که نماز از اهمیت بسیار والایی برخوردار
است، خداوند اعمال رستگاران را با نماز آغاز نموده و با نماز

به پایان رسانیده است چنانکه می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴) وَالَّذِينَ هُمْ لِقُرُوبِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾. [مؤمنون: ۱ - ۹]

(همانا مؤمنان، رستگار شدند. آن کسانی که در نمازشان، خشوع دارند، و از کارهای بیهوده، روی می‌گردانند، زکات اموالشان را می‌پردازند و شرمگاهایشان را حفاظت می‌کنند بجز همسران و کنیزان خود. که در این صورت، قابل سرزنش نیستند. و کسانی که غیر از این را دنبال کنند، آنان تجاوزکارند.. همچنین مؤمنان رستگار- کسانی هستند که

امانت دارند و به عهد و پیمان خود، وفا می‌کنند و از نمازهایشان محافظت می‌کنند).

۱۱- خداوند به نبی اکرم ﷺ و پیروانش دستور داده است که خانواده های خود را به خواندن نماز، امر کنند: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾. [طه: ۱۳۲]

(خانواده ات را به خواندن نماز، امر کن و خود نیز بر خواندن آن، استقامت کن. ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی می‌دهیم و سرانجام از آن پرهیزگاری است).

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاصْرِبْهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ». (۱)

(۱) ابوداود (۴۹۵) و احمد (۱۸۰/۲، ۱۸۷) و آلبنی آنرا در ارواء القلیل (۷/۲) و صحیح دانسته است. (۲۶۶/۱)

«فرزندانتان را در سن هفت سالگی، به خواندن نماز وادار کنید و در ده سالگی، آنها را بخاطر نماز، تنبیه کنید و محل خواب آنها را جدا کنید».

۱۲- به کسی که خواب بیفتد و یا نمازی را فراموش کند، دستور داده شده است تا قضای آن را بجای آورد. و این، اهمیت نماز را می‌رساند. انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا لَا كَفَّارَةَ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ».

«هر کس نمازی را فراموش کرد، هنگامی که بیادش آمد، آنرا بخواند. زیرا نماز، کفاره‌ای جز این (قضا آوردن) ندارد».

و در روایتی از صحیح مسلم، چنین آمده است که رسول اکرم فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا».^(۲)

(هر کس نمازی را فراموش کرد یا خواب رفت، کفاره‌اش اینست که هنگام یاد آمدن (یا بیدار شدن) آنرا بخواند).
همچنین، کسی که سه روز یا کمتر، بی‌هوش شود، حکم کسی را دارد که خواب رفته باشد (بعد از اینکه به هوش آمد، نمازهای فوت شده را بخواند) و این مطلب از عمار، عمران بن حصین و سمره بن جندب (رضی الله عنهم) روایت شده است.^(۱)

(۲) روایت بخاری (۵۹۷) و مسلم (۶۴۸).

(۱) الشرح الکبیر ابن قدامه (۸/۳) و المغنی (۵۰/۲ - ۵۲). (۲) نگا مجموع الفتاوا شیخ عبد العزیز بن عبد الله (۴۵۷/۲).
(۳) شرح العمده ابن تیمیہ (۸۷/۲ - ۹۱).

ولی اگر دوران بیهوشی، بیشتر از سه روز باشد، قضا آوردن نمازهای فوت شده، لازم نیست زیرا شخصی که بیشتر از سه روز بیهوش شود، در زوال عقل به انسانی که دیوانه است شباهت دارد. و الله اعلم.^(۲)

۲- نگاه مجموعه فتاوی شیخ عبدالعزیز بن عبدالله (۴۵۷/۲)

ویژگیهای نماز در اسلام^(۳)

نماز، ویژگیهای منحصر به فردی دارد که سایر اعمال نیک از این ویژگیها، برخوردار نیستند. ما در این باره به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- خداوند، در قرآن کریم، نماز را ایمان نامیده است:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ

رَحِيمٌ﴾. [بقره: ۱۴۳]

(خداوند، ایمان - یعنی نماز شما را که بسوی بیت‌المقدس خوانده اید-، ضایع نمی‌کند همانا خداوند رؤف و مهربان است).

۲- خداوند، نماز را از سایر عبادات، بطور ویژه ذکر نموده

است: ﴿اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ

الصَّلَاةَ﴾. [عنکبوت: ۴۵]

آنچه را که از قرآن به تو وحی شده است، بخوان - و به آن عمل کن - و نماز را برپای دار).

و در جایی دیگر می فرماید: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَةَ الصَّلَاةِ﴾. [انبیاء: ۷۳]

(و به آنها انجام کارهای نیک و اقامه نماز را وحی کردیم).

۳- نماز در قرآن کریم، در کنار بسیاری از عبادات، ذکر شده است. از جمله، در کنار زکات. چنانکه خداوند می فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ﴾. [بقره: ۴۳]

ج ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ﴾. [کوثر: ۲]

(پس برای پروردگارت، نماز بخوان و قربانی کن).

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ﴾ [انعام: ۱۶۲]

(بگو: نماز، عبادت، زندگی و مرگ من از آن خداست
که پروردگار جهانیان است).

۴- با وجودی که خداوند به پیامبرش دستور داده است که
در سایر عبادات، ثابت قدم باشد و فرموده است: (و اصْطَبِرْ
لِعِبَادَتِهِ) در مورد نماز تأکید ویژه نموده است: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ
بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ
نَرْزُقُكَ﴾ [طه: ۱۳۲]

(خانواده‌ات را به نماز، امر کن و خود نیز بر خواندن آن،
ثابت قدم باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی
می‌دهیم).

۵- خداوند در تمام حالت‌ها، نماز را واجب قرار داده
است حتی در این باره، مریض، مسافر و کسی را که در حال

ترس و وحشت بسر می‌برد، معذور ندانسته است. بلکه گاهی، در شرایط آن، تخفیف قایل شده است و گاهی هم تعداد رکعات آن را کمتر نموده است و در شرایط خاص هم، روشن نماز خواندن را تغییر داده است. و تا زمانی که انسان از عقل برخوردار است، نماز از وی، ساقط نمی‌شود.

۶- خداوند، در نماز، بهترین حالت‌ها را شرط قرار داده است. فرد باید با وضو باشد، خودش را با زینت لباس، بیاراید و رو به قبله نماید. در حالی که در سایر عبادات، این امور، شرط نیستند.

۷- در نماز، قلب، زبان و سایر اعضای انسان، بکار گرفته می‌شود حال آن که در سایر عبادات، چنین نیست.

۸- در نماز، نباید ذهن و فکر انسان به جایی دیگر برود.

۹- نماز، دین خداست که اهل آسمانها و زمین توسط آن، خدا را بندگی می‌کنند. و کلید همهٔ ادیان آسمانی است و

هیچ پیامبری مبعوث نشده است مگر اینکه نماز در شریعتش وجود داشته است.

۱۰- نماز در کنار ایمان و تصدیق انبیاء ذکر شده است. خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى (۳۱) وَلَكِنْ كَذَبَ وَ تَوَلَّى﴾ [قیامت: ۳۱، ۳۲]

(انسان کافر- خدا را تصدیق نکرد و نماز نخواند بلکه تکذیب کرد و روی گردانی نمود).
در پایان باید دانست که نماز، ویژگیهای زیادی دارد که با سایر عبادات، قابل مقایسه نیست.^(۱)

(۱) نگا شرح العوده ابن تیمیه (۸۷/۲ - ۹۱) و الشرح ابن عثیمین (۸۷/۲).

حکم تارك نماز

ترك نمازهای فرض، كفر محسوب می‌شود. پس هر کس که نماز را ترك کند و منکر وجوب آن شود به اجماع علماء، وارد كفر اکبر^(۲) می‌شود اگر چه گاهی هم نماز بخواند.^(۳)

اما اگر کسی، معتقد به وجوب نماز باشد و آن را انکار نکند ولی بطور کلی، نماز نخواند، چنین شخصی نیز کافر می‌شود. (و درباره اینک این كفر، كفر اکبر است و او را از دایره اسلام خارج می‌کند یا خیر، نزد علماء اختلاف نظر وجود دارد) اما قول صحیح، این است که كفر چنین شخصی، كفر اکبر است و او را از دایره اسلام، خارج می‌کند. در این باره، دلایل زیادی وجود دارد که ما بطور مختصر به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

(۳) تحفه الاخوان (۷۳) تألیف شیخ عبد العزیز.

۱- خداوند می فرماید: ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ
إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲) خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ
وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ﴾. [قلم: ۴۲، ۴۳]

(روزی که از ساق، پرده بردارند و خلق را دعوت به
سجده کنند، آنان نمی توانند سجده کنند. چشمانشان، پایین
افتاده است و خواری و ذلت، وجودشان را فرا گرفته است.
آنها در - دنیا که سالم بودند، دعوت به سجده می شدند- ولی
سجده نمی کردند).

آیه فوق، دلالت بر این دارد که فرد بی نماز، در روز
قیامت، کنار کفار و منافقینی قرار می گیرد که کمرشان برای
سجده خم نمی شود.

اگر فرد بی نماز، مسلمان بشمار می رفت همانطور که در
روز قیامت به مسلمانان، اجازه داده می شود که سجده کنند به
او نیز اجازه داده می شد که سجده کند.

۲- خداوند می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۳۸) إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹) فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳) وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمَسْكِينِ (۴۴) وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۴۵) وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾. [مدثر: ۳۸- ۴۸]

(روز قیامت، هر نفسی در گرو اعمال خویش است. مگر دست راستیها که در بهشت بسر می برند و از گناهکاران می پرسند: چه چیزی شما را به دوزخ انداخت؟ می گویند: ما نماز نمی خواندیم و به مسکین، طعام نمی دادیم و با اهل باطل، همنشین بودیم و حق را به تمسخر می گرفتیم و روز قیامت را قبول نداشتیم).

در این آیات، فرد بی نماز، جزو گناهکارانی است که به دوزخ می روند. خداوند در جایی دیگر می فرماید: ﴿إِنَّ

الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۴۷) يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى
وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ ﴿۴۷﴾. [قمر: ۴۷، ۴۸]

(همانا گناهکاران در گمراهی و آتش، بسر می‌برند. روزی که بر چهره‌هایشان در آتش، - کشیده می‌شود- و به آنان گفته می‌شود: -لمس کردن آتش را بچشید).

۳- خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا
الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَتُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَعْلَمُونَ﴾. [توبه: ۱۱]

(اگر توبه کنند و نماز را بر پا دارند و زکات بدهند، پس برادران دینی شما هستند. ما آیات خود را برای کسانی که اهل دانش هستند، بیان می‌کنیم).

خداوند در آیه فوق، نماز را شرط اخوت و برادری دانسته است.

۴- عن جابر رضی الله عنه قال: سمعت قال: رسول الله ﷺ: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشُّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». (۱)

۵- عن بریده قال: قال رسول الله ﷺ: «أَلْعَهْدَ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». (۲)

بریده رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «پیمانی که میان ما و آنان وجود دارد، ترک نمازست، پس هر کس، نماز را ترک کند، همانا کفر ورزیده است».

۶- عبدالله بن شفیق رضی الله عنه می گوید: اصحاب محمد ﷺ بجز ترک نماز، ترک هیچ عمل دیگری را کفر نمی دانستند. (۳)

(۱) مسلم (۷۶).

(۲) روایت ترمذی (۲۶۲۱) و نسائی (۲۳۱/۱) و ابن ماجه (۱۰۷۹) و حاکم (۷، ۶/۱) با تصحیح حاکم و موافقت دهبی.

(۳) بروایت ترمذی (۲۶۲۲).

۷- تعداد زیادی از علما نقل کرده‌اند که صحابه بر کفر تارک نماز، اجماع نموده‌اند.^(۴)

۸- ابن تیمیه می‌گوید: تارک نماز به ده دلیل، کافر می‌شود و کفرش هم، کفر اکبر است (یعنی فرد را از دایره اسلام، خارج می‌کند).^(۵)

۹- ابن قیم رحمه الله بیست و دو دلیل ذکر نموده است که تارک نماز، کافر می‌شود و کفرش، کفر اکبر است.^(۶)
باید گفت حقی که در آن هیچ تردیدی وجود ندارد، اینست که هر کس، نماز را مطلقاً ترک کند، با دلیل صریح فوق، کافر می‌شود.

(۴) نگا المحلي (۲/۲۴۲، ۲۴۳) و کتاب الصلاه (۲۶) ابن قیم و الشرح الممتع (۲۸/۲) تألیف ابن عثیمین.

(۵) نگا شرح العمده (۲/۸۱-۹۴) تألیف ابن تیمیه.

(۶) کتاب الصلاه (ص ۱۷-۲۶) تألیف ابن قیم. ایشان، ده دلیل از قرآن و دوازده دلیل از سنت و اجماع صحابه ذر اینمورد ذکر نموده است.

ابن قیم رحمه الله می گوید: قرآن و سنت و اجماع صحابه بر کفر تارک نماز دلالت دارند.^(۷)

فضیلت نماز

۱- نماز، انسان را اطرز کارهای زشت و ناپسند، باز می دارد. خداوند می فرماید: ﴿اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ [عنکبوت: ۴۵]

(ای پیامبر! بخوان آنچه را که از قرآن به تو وحی شده است و نماز را بر پای دار. همانا نماز، انسان را از کارهای زشت و ناپسند، باز می دارد. و یاد خدا- از همه چیز- والاتر

(۷) کتاب الصلاه ص(۱۷).

است و خداوند می‌داند که شما چه کارهایی را انجام می‌دهید).

۲- نماز، بعد از شهادتین، بهترین عمل، شمرده می‌شود. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: کدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «نمازی که در وقتش خوانده شود». پرسیدم: بعد از آن، کدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «نیکی به پدر و مادر» پرسیدم: پس از آن کدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «جهاد در راه خدا».^(۱)

۳- گناهان را شستشو می‌دهد. جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَثَلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ غَمْرٍ عَلَى بَابٍ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ».^(۲)

(۲) مسلم (۶۶۸).

(۱) بخاری (۷۵۳۴) و مسلم (۸۵).

(۳) مسلم (۲۳۳).

۲- مسلم (۶۶۸).

«مثال نمازهای پنج گانه مانند اینست که نهر پر آبی، مقابل درب خانه یکی از شما جریان داشته باشد و شما روزانه، پنج مرتبه در آن، غسل نمایید». پس همانطور که هر کس، روزانه پنج بار غسل کند، چرکی بر بدنش باقی نمی ماند، آن کس که روزانه پنج بار نماز بخواند، گناهی برایش باقی نمی ماند. (مترجم)

۴- نماز، باعث کفاره گناهان می شود. ابوهریره رضی الله عنه می گوید:
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«الصَّلَاةِ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ مُكَفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا اجْتُنِبَتْ الْكِبَايِرُ»^(۳).

(نمازهای پنج گانه و جمعه تا جمعه دیگر و رمضان تا رمضان دیگر باعث کفاره گناهانی می شود که حد فاصل آنها

انجام گرفته است. البته گناهان کبیره از این قاعده مستثنی هستند (و نیاز به توبه دارند).

۵- نماز، در دنیا و آخرت، برای نمازگزار، نور است. عبدالله بن عمر (رضی الله عنهما) می گوید: روزی رسول اکرم ﷺ سخن از نماز بمیان آورد و فرمود: «مَنْ حَافِظَ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُورٌ وَلَا بُرْهَانٌ وَلَا نَجَاةٌ وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ قَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَأَبِي بَنِي خَلْفٍ».^(۱)

«هر کس که از نمازش محافظت کند (پایبند آن باشد) روز قیامت، برایش نور و حجت و نجات خواهد بود. و هر کس از آن محافظت نکند، روز قیامت، برایش نور و حجت و

(۱) امام احمد در مسندش (۱۶۹/۲) و دارمی (۳۰۱/۲). و امام منذری در کتاب الترغیب و التهریب می گوید: امام احمد آنرا با سند خوب روایت نموده است.

نجاتی نخواهد بود و با قارون، فرعون، هامان و ابی بن خلف، حشر خواهد شد.»

و در حدیث ابومالک اشعری رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نماز، نور است.»^(۲) و در حدیث بریده رضی الله عنه آمده است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بَشِّرِ الْمَشَائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^(۳)

«یعنی کسانی را که در تاریکی ها به مساجد می روند، به نوری کامل در روز قیامت، مژده ده.»

۶- خداوند به وسیله نماز، به انسان رفع درجه، عنایت می کند و گناهانش را می بخشد. ثوبان رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم

(۲) مسلم (۲۲۳) .

(۳) ابوداؤود (۵۶۱) و ترمذی

(۲۲۳) و آلبانی در مشکاه (۲۲۴/۱) آنرا صحیح دانسته است چون شواهد

زیادی دارد . (۴) مسلم (۴۸۸) .

ﷺ خطاب به من فرمود: «عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ فَإِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلَّا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيئَةٌ» (۴).

(یعنی بسیار، سجده کن زیرا خداوند با هر سجده، یک درجه به تو عنایت می کند و یک گناه، از تو محو می گرداند)

۷- نماز، یکی از بزرگترین عوامل مرافقت نبی اکرم ﷺ در بهشت است. ربیع بن کعب اسلمی رضی الله عنه می گوید: با رسول اکرم ﷺ بیتوته می کردم، شبی، آب وضو و آنچه را که مورد نیاز رسول اکرم ﷺ بود، برایش آوردم. آنحضرت صلی الله علیه و آله به من گفت: «بخواه». گفتم: همراهی تو را در بهشت می خواهم. فرمود: «آیا خواسته دیگری هم داری؟» گفتم: خواسته ام همین

است. آنحضرت ﷺ فرمود: «پس با کثرت سجده، مرا یاری کن». ^(۱) (تا برای شفاعت کنم)

۸ - رفتن برای نماز، باعث نوشته شدن حسنات، رفع درجات و ریختن گناهان می‌گردد. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ مَشَى إِلَى بَيْتِ مَنْ يُبُوتِ اللَّهُ لِيَقْضِيَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَتْ خَطْوَاتُهُ إِحْدَاهُمَا تَحُطُّ خَطِيئَةً وَالْأُخْرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً» ^(۲).

«یعنی هر کس، در خانه اش طهارت نماید. سپس، بسوی یکی از خانه های خدا (مساجد) برود تا فرضی از فرایض خدا را ادا کند، با یک گام، گناهی از او می‌ریزد و با گام دیگر، درجه‌ای به درجاتش افزوده می‌شود»

(۳) ابوداود

(۲) مسلم (۶۶۶).

(۱) مسلم (۴۸۸).

(۴) بخاری (۶۶۲) و مسلم (۶۶۹).

(۵۶۳).

۲- مسلم (۶۶۶)

و در حدیثی دیگر آمده است که آنحضرت ﷺ فرمود:
 «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ لَمْ
 يَرْفَعْ قَدَمَهُ الْيُمْنَى إِلَّا كَتَبَ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةٌ وَلَمْ يَضَعْ قَدَمَهُ
 الْيُسْرَى إِلَّا حَطَّ عَنْهُ سَيِّئَةٌ»^(۳).

«یعنی هر یک از شما خوب وضو بگیرد. سپس بسوی
 مسجد، بیرون برود. هنگامی که قدم راستش را بر می‌دارد،
 یک نیکی برایش نوشته می‌شود و هنگامی که قدم چپش را به
 زمین می‌گذارد، یک گناه از گناهانش، نابود می‌شود».

۹- رفت و آمد به مسجد باعث تدارک ضیافت، در بهشت
 می‌گردد. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ غَدَا
 إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَزْلًا كُلَّمَا غَدَا أَوْ
 رَاحَ»^(۴).

۳- ابوداود (۵۶۳)

۴- بخاری (۶۶۲) و مسلم (۶۶۹)

«هر کس به مسجد، رفت و آمد کند، خداوند، برای هر رفت و آمد و برگشتن، ضیافتی در بهشت، تدارک می بیند».

۱۰- گناهایی که از یک نماز تا نماز دیگر، انجام می گیرد، بوسیله نماز، بخشیده می شود. عثمان رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَتَوَضَّأُ رَجُلٌ مُسْلِمٌ فَيُحْسِنُ الْوُضُوءَ فَيُصَلِّيَ صَلَاةً إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي تَلِيهَا».^(۱)

«هر فرد مسلمانی که خوب وضو بگیرد و نمازی بخواند، خداوند، گناهایی را که از این نماز تا نماز بعدی، انجام می گیرد، می بخشد».

۱۱- نماز، باعث کفاره گناهان گذشته می شود. عثمان بن عفان رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا مِنْ أَمْرٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا

(۱) مسلم (۲۲۷).

وَرُكُوعَهَا إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَأْتِ
كَبِيرَةً وَذَلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهُ»^(۲)

«یعنی هر فرد مسلمانی که نماز فرضی را در یابد و برای
آن، خوب وضو بگیرد و خشوع آنرا بخوبی رعایت کند و
رکوعش را هم درست انجام دهد، این نماز، باعث کفاره
گناهان گذشته‌اش می‌شود. البته بجز گناهان کبیره. (نیاز به
توبه دارند) و تمام عمر اینگونه است.

۱۲- تا زمانی که نمازگزار بر مصلايش نشسته باشد،
فرشتگان برایش دعا می‌کنند و تا وقتی که بخاطر نماز نشسته
باشد، گویا مشغول نماز خواندن است.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «صَلَاةُ الرَّجُلِ
فِي جَمَاعَةٍ تَزِيدُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ وَصَلَاتِهِ فِي سُوقِهِ بَضْعًا
وَعَشْرِينَ دَرَجَةً وَذَلِكَ أَنْ أَحَدَهُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ

ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لَا يَنْهَرُهُ إِلَّا الصَّلَاةُ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ فَلَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إِلَّا رَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتْ الصَّلَاةُ هِيَ تَحْبِسُهُ وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ يَقُولُونَ اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ مَا لَمْ يُحْدِثْ فِيهِ»^(۱).

«نمازی را که شخص، با جماعت، ادا می کند بر نمازی که در خانه و یا بازار می خواند، بیست و اندی درجه، برتری دارد. بخاطر اینکه اگر شخص، خوب وضو بگیرد. سپس، به مسجد برود و هیچگونه انگیزه و هدفی بجز نماز نداشته باشد، با هر گامی که بر می دارد، یک درجه به درجاتش، افزوده

(۱) بخاری (۲۱۲۹) و مسلم (۶۴۹).

(۲) مسلم (۲۵۱).

می‌شود و یک گناه از گناهانش، کم می‌گردد تا اینکه وارد مسجد شود. پس از ورود به مسجد تا زمانی که بخاطر نماز، آنجا نشسته باشد، فرشتگان برایش دعا می‌کنند و می‌گویند: خدایا! به او رحم کن، خدایا! او را بیمارز، خدایا! توبه اش را بپذیر.

۱۳- انتظار کشیدن برای نماز، جهاد در راه خدا، شمرده می‌شود. ابوهیره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْأَخْطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ فَذَلِكُمُ الرَّبَّاطُ فَذَلِكُمُ الرَّبَّاطُ»^(۲).

«آیا شما را به چیزی، راهنمایی نکنم که خداوند بوسیله آن، گناهان شما را نابود می‌کند و به درجات شما می‌افزاید؟

صحابه گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: کامل نمودن وضو هنگام مشکلات، زیاد، قدم برداشتن بسوی مساجد و انتظار نماز بعدی پس از هر نماز. پس اینست جهاد، اینست جهاد».

۱۴- پاداش کسی که برای نماز، بیرون می‌رود، مانند پاداش کسی است که برای حج، احرام بسته است. ابوامامه رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که ظهارت کند و برای ادای نماز فرض از خانه‌اش، بیرون برود، مانند پاداش کسی است که برای حج، احرام بسته است. و پاداش کسی که برای نوافل چاشت، بیرون برود و فقط، بخاطر آن، خسته شود، مانند پاداش کسی است که عمره ای انجام داده است. و نمازی که پس از نماز دیگر، خوانده شود و در میان آنها، کار بیهوده‌ای، انجام نگیرد، در علین (نزد خداوند) ثبت می‌گردد».

۱۵- پاداش هر اهل نمازی که نماز از دستش برود، مانند پاداش کسی است که در نماز (جماعت)، حضور پیدا کرده است. ابوهریره رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ ثُمَّ رَاحَ فَوَجَدَ النَّاسَ قَدْ صَلَّوْا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَلَّاهَا وَحَضَرَهَا لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا».^(۱)

«هر کس، خوب وضو بگیرد. سپس، برود و ببیند که مردم نماز (جماعت) خوانده اند، خداوند به او مانند کسی پاداش می دهد که در نماز حضور یافته و آنرا ادا کرده است بدون اینکه چیزی از اجر آنها کاسته شود.

۱۶- هر گاه شخص، وضو بگیرد و برای ادای نماز، بیرون رود تا زمانیکه بر می گردد، در حال خواندن نماز، بحساب می آید و رفت و برگشت او، برایش نوشته می شود. ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ

(۱) ابوداوود (۵۶۴) و نگا صحیح سنن ابوداوود (۱۳۱/۱).

أَتَى الْمَسْجِدَ كَانَ فِي صَلَاةٍ حَتَّى يَرْجِعَ فَلَا يَقُلُ: هَكَذَا وَشَبِكَ
بَيْنَ أَصَابِهِ»^(۲).

«هرگاه یکی از شما در خانه‌اش، وضو بگیرد، سپس، به مسجد برود تا زمانی که برگردد، در نماز بسر می‌برد. پس اینگونه نکند. و انگشتان دستهایش را تو در تو نمود».

و در روایتی دیگر، ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ إِلَى مَسْجِدِي فَرَجَلَ تَكْتَبُ حَسَنَةً وَ رَجَلَ تَحْطُّ سَيِّئَةً حَتَّى يَرْجِعَ»^(۳).

«از زمانی که یکی از شما از منزلش بسوی مسجد من، بیرون می‌آید، یک گامش، نیکی نوشته می‌شود و گام

(۲) صحیح ابن خزیمه (۲۲۹/۱) و حاکم (۲۰۶/۱) با تصحیح حاکم و موافقت ذهبی و نگا صحیح ترغیب و ترهیب (۱۱۸/۱) تألیف آلبنانی.

(۳) صحیح ابن حبان (۱۶۲۰) و نسائی (۴۲/۲) و حاکم (۲۱۷/۱) با تصحیح حاکم و موافقت ذهبی و تصحیح آلبنانی در صحیح ترغیب و ترهیب (۱۲۱/۱).

دیگرش، باعث بخشیده شدن گناهی می‌گردد تا زمانیکه
مراجعت نماید».